هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ سی و پنجم شنبه ۱۹ دلو ۱۳۸۷- ۱۱ صفر ۱۴۳۰ - 7 February ۲۰۰۹

سرمقاله

احترام به قانون اساسی شالودهٔ تقویت نهاد دولت ملي

ص۲

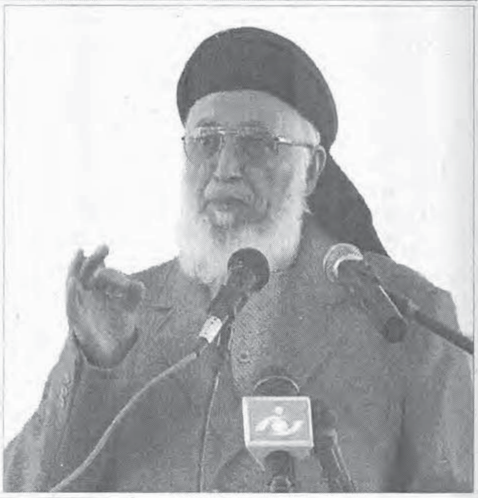
پیښور خو پیښور دئ

خاطراتی از سفر به پشاور

ص۵

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان در جمعی از جوانان جمعیت:

باید از تاریخ پر افتخار جهاد خود دفاع بکنیم، این جهاد نه نتها در تاریخ افغانستان بی نظیر بوده بلکه در تاریخ جهان کم مانند است



***

سنت تاریخ است که نسل به سال رسیده مسؤولیت ها، هدف ها و اندیشه ها را به نسل بعدی می سپارد، رسالتی را که نسل ما به دوش کشیده بود از این به بعد مربوط به شماست

اوباما و چالش دشوار افغانستان



درگیر شدن در یک جنگ طولانی و طویل المدت در افغانستان، فرصت بلند پروازی را از امریکا خواهد گرفت و به روسیه این امکان را فراهم خواهد آورد تا دامنهٔ نفوذ خود را در منطقه ای که تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی شکارگاه اختصاصی روس ها به شمار می آمد دوباره محکم سازد ص۳

د ملگرو ملتونو د پاملرني وړ:

که د اساسي قانون د څارنې کمیسیون واک نو ستونزه به حل واک

شفیق

د لویې جرګې جوړښت هم ناشوني دی؛ ولې چې د ولسوالیو د شوراګانو انتخابات هم د کرزی دولت په خپل وخت ترسره نکړل چې لامله یې د لویې جرګې انعقاد ناممکن دی؛ چې دا کار پخپل ځای د کرزي دولت ناکامي په ګوته کوي

د پولټکنو د خپلواک کمیسیون لخوا د ولسمشری د ټکنو په راتلونکي کال کې د زمري د میاشتې نهه ویشمې نیټې ته د وروسته کولو سره سم .چې پخپل ځای د اساسي قانون څخه یوه په ډاګه سرغړاونه وه ـ د ملي شورا له مینځه د مشرانو په جرګه کې ناستو وکیلانو هم خپل پتون ووهلو. چې مونږ هم د آساسي قانون څخه په سرغړاونه کې له چا څخه کمزوري نه یو. وروستی ستونزه هغه مهال را پیدا شوه چې "ولسي جرګې" په "مشرانو جرګه" کې د ولایتونو له شوراګانو څخه په لومړي او دوهم لمبر په ټکنو کې د راغلو ولایتي استازو له مینځه د هغو سناتورانو د وخت د پوره کېدو خبره را اوچته کړه چې د ولسمشر د یو تقنیني فرمان له مخې **پاتې پر۵مخ**

بان کی مون از کابل دیدار کرد

روز چهارشنبه ۱۶ دلو بان کی مون سرمنشی سازمان ملل ازافغانستان دیدار نمود.

آقای بان کی مون در مصاحبه مطبوعاتی با حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان شرکت کرد و بر تعهد درازمدت سازمان ملل برای کمک به افغانستان تاکید نمود. سرمنشی سازمان ملل با یاد آوری دشواری و چالش های افغانستان در سال آینده از ادامه مساعدت آن سازمان با افغانستان اطمینان داد. وی افزود یوناما ماموریت درازمدت در افغانستان دارد و برنامه های این سازمان همچنان ادامه خواهد یافت.

سازمان ملل یکی از کمک کنندگان اصلی افغانستان بوده درامور کمک رسانی بشری و تقویت دولت در افغانستان برنامه های گستردهٔ انجام داده است.

کارنامه سازمان ملل در افغانستان گاهی مورد انتقاد قرار گرفته است. **ادامه درص۷**

افغانستان دچار بحران قانونی شده است

ص۲

پنتاگون:

دولت افغانستان نا توان ترین دولت های جهان

بنا برگزارش سایت رادیوی بی بی سی، پنتاگون وزارت دفاع امریکا، در گزارش سالانهٔ خویش دولت افغانستان را ضعیف ترین دولت های جهان خوانده است.

تا چند روز پیش در رسانه های جهانی و در سخنان رهبران کشورهای غربی، دولت آقای کرزی به عنوان یکی از پنج ضعیف ترین یا فاسد ترین حکومت های جهان، مورد نقد قرار می گرفت. اما بزودی لحن این انتقاد ها علیه دولت آقای کرزی شدت بیشتر اختیار کرد، اکنون وزارت دفاع امریکا حکومت افغانستان را ناتوان ترین و فاسد ترین دولت های جهان، نامیده است. در گزارش پنتاگون آمده است که افغانستان دارای یک دولت فاسد و فاقد رهبری است.

سخنگوی آقای کرزی این گزارش پنتاگون را رد کرده گفته است، دولت افغانستان دولت جوان و در حال بازسازی است اما دولت ضعیف و فاسد نیست.

گزارش اخیر وزارت دفاع امریکا از سوی صاحب نظران نمونه روشن روی گردانی امریکا و غرب از دولت آقای کرزی ارزیابی شده است.

مایک مولن رئیس ستاد فرماندهی اردوی امریکا گفته است، ایجاد یک دولت بهتر با رهبری قوی بیش از افزایش نیروهای امریکایی برای افغانستان اهمیت دارد. اما این کاری است که مردم افغانستان باید انجام دهند و امریکا در این زمینه کاری نمی کند.



بیدل

یکی از قله های شعر فارسی دری ص۴

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid۱۳۵۷@Yahoo. com

سرمقاله

احترام به قانون اساسی

شالودهٔ تقویت نهاد دولت ملی

نادیده گرفتن قانون اساسی ونقض آن ضربهٔ شدیدی بر روند تاسیس وتقویت نهاد دولت در کشور وارد نموده و به قانون پذیری جامعه که اکنون ما به آن نیازشدید داریم آسیب جدی می رساند. فکر می شود این مصلحت علیا و نیاز اساسی جامعه افغانستان قربانی اطماع و مصلحت های بی ارزش می شود.

افغانستان که سالیان دراز دستخوش تجاوز، مداخله و اطماع کشورهای خارجی و بحران های داخلی بود، گمان می شد پس از سال ۲۰۰۱ فرصتی مساعدی برای خروج از بحران بدست آورده و سیاست مداران افغانستان که تازه زمام امور را بدست گرفته اند، این شانس را یافته اند که درتاریخ به عنوان قهرمانان پی ریزی دولت ملی ثبت شوند.

اما متاسفانه آنها این شانس را به آسانی از دست دادند، آن ها در مدیریت و استقامت دهی اجماع جهانی برای کمک به افغانستان موفقیتی بدست نیاوردند، در پی ریزی شالوده برای ایجاد ملت متکی بر حقوق شهروندی و ارزش های انسانی ناکام ماندند، شیوه های استبدادی و عقب مانده حکومت داری احیا گردید، برای حذف مخالفان سیاسی به دوسیه سازی و توطئه چینی روی آوردند و با طرح سیاست های تبارگرایانه به روند وحدت ملی ضربهٔ شدیدی وارد کردند.

نادیده گرفتن قانون اساسی با بهانه های گوناگون به هدف ادامه حاکمیت آخرین وجدی ترین ناکامی دولت و زمامداران کنونی دانسته می شود، البته درست است که نمی توان این کنش منفی را خاص گروه حاکم دانست، بلکه بسیاری گروه های سیاسی هم کمابیش چنین ویژگی های منفی را دارند. قدرتمداران هیچگاه در یافتن همسفره ها با مشکل روبرو نبوده اند. در هر مرحلهٔ گروه های هستند که با گرفتن امتیازاندک در ناکامی های بزرگی خود را شریک ساخته اند و شانس سرخوردگی خلاف کاران را ازمیان برده اند.

اگر در شرایط کنونی که قانون اساسی نادیده گرفته می شود همه گروه ها و شخصیت ها برای اعادهٔ اعتبار این قانون در پهلوی هم قرار گیرند، می تواند اثرات مفیدی برای نهادینه شدن احترام به قانون ایجاد گردیده و در آینده ازتخطی های بزرگ تر جلو گیری شود.

افغانستان دچار بحران قانونی شده است

احمد مهدی

اقدام کمیسیون انتخابات برای به تأخیرانداختن انتخابات ریاست جمهوری تا ۲۹ اسد ۱۳۸۸ کشور را با بحران قانونی روبرونموده است.

کمیسیون انتخابات،در این اقدام خویش به دلایل مالی، امنیتی و اقلیمی استناد نموده است. سخنگویان این کمیسیون گفته اند چون شماری از مردم به دلایل ذکر شده نمی توانند، در زمان معین در قانون اساسی یعنی در ماه حمل ۱۳۸۸ در انتخابات سهم بگیرند، ناگزیر بودند، تا انتخابات را به تأخیر اندازند.

اما از دیدصاحب نظران و احزاب و گروه های جامعهٔ مدنی، تعویق انتخابات نقض قانون اساسی و تصمیم غیرقانونی دانسته می شود. از نظر آنان ادامه کار حکومت آقای کرزی پس از اول جوزا ۱۳۸۸ غیرقانونی می باشد.

اگر چه کمیسیون انتخابات تاکید می کند یک اداره مستقل بوده و تصمیم تاخیر افگندن انتخابات را بدون هیچ نوع فشاری از طرف حکومت اتخاذکرده است، اما مردم این تصمیم را یک اقدام سیاسی آقای کرزی می دانند که به منظور ادامه قدرت و کسب وقت برای آمادگی جهت پیروزی در انتخابات انجام یافته است.

اما از چه راهی می توان بحران حقوقی افغانستان را حل کرد؟

تا هنوز طرح های سامان یافته برای حل این بحران از سوی احزاب و جریان های سیاسی و یا شورای ملی ارایه نگردیده است. اما در مجموع چند طرح بیشتر سرزبان ها است.

یکی ازاین طرح ها، تشکیل یک حکومت موقت جهت برگزاری انتخابات است. این گزینه را برخی از اعضای پارلمان و شماری از احزاب و شخصیت های سیاسی در رسانه ها عنوان کرده اند، اما ایرادی که متوجه این گزینه می شود این است که هیچ اشاره به تشکیل حکومت موقت در قانون اساسی نشده و چنین کاری خلاف این قانون است، پهلو های منفی دیگر این راه کار، شیوهٔ انتخابات و صلاحیت های حکومت موقت مورد نظر می باشد. همچنان تضمینی وجود ندارد که حکومت موقت نیز در صدد ادامه حاکمیت و یا نامزد شدن و استفاده از اقتدار و امکانات دولتی بر نمی آید.

طرح دیگر، اعلان حالت اضطرار است، که در مادهٔ (۱۴۲) قانون اساسی ذکر گردیده است. طرفداران این طرح می گویند، اکنون افغانستان با مشکلات جدی امنیتی روبرو بوده، در بخش های از کشور جنگ جریان دارد، بصورتی که نمی توان در برخی مناطق انتخابات را برگزار نمود. بنا بر این می توان حالت اضطرار را اعلان کرد.

می توان برای جلوگیری از بحران های آینده و پرهیز از نقض قانون اساسی، اصلاح قانون اساسی در دستور کار حکومت و شورای ملی قرار گرفته، با تشکیل کمیسیونی که مورد توافق تمام گروه های سیاسی و قومی باشد، طرح جامع و بی نقص برای قانون اساسی آماده شود و زمینهٔ برگزاری یک لویه جرگهٔ قانون اساسی فراهم گردد

***

افغانستان در وضعیت پیچیده یی قرار رگرفته و بحران خلای حاکمیت به میان آمده است. قانون اساسی به صورت واضحی نقض گردیده که نمی توان به سادگی راه حل قانونی برای آن پیش بینی کرد

شماری که با برقراری حالت اضطرار مخالف اند، اما جهت پرهیز از نقض قانون اساسی و حل بحران آماده اند این طرح را بپذیرند.

این طرح مخالفان زیادی دارد، مهمترین انتقادی که بر طرح اعلان اضطرار وارد می شود این است که وضعیت کنونی کشور، وضعیت دوسه سال گذشته تفاوتی چندانی ندارد، و درآینده نزدیک نیز امکان تغییر وضعیت متصور نیست، بناءً نمی توان حالت کنونی را یک حالت استثنایی و اضطراری خواند، بالتبع مادهٔ (۱۴۳) قانون اساسی دراین شرایط قابل تطبیق نیست.

از نظر مخالفان این طرح، پیش بینی یک وضعیت قابل اطمینان امنیتی که در تابستان ۱۳۸۸ با وضعیت کنونی تفاوت چشمگیر داشته باشد، محتمل به نظر نمی رسد. بنابراین نقض قانون اساسی بهای بس سنگین است که برای تاخیر انتخابات پرداخته می شود.

تشکیل لویه جرگه و یا یک توافق جمعی میان دولت و گروه های سیاسی و یافتن راه حلی برای بحران کنونی پیشنهادی دیگری است که برخی ها آن را مطرح کرده اند، اما این پیشنهاد نیز به صورت واضحی خلاف قانون اساسی است.

انتقال قدرت به معاون رئیس جمهور یا رئیس شورای ملی، به ترتیبی که در مادهٔ (۶۷) قانون اساسی ذکر گردیده طرح دیگری است که از سوی برخی عنوان گردیده است، اما انتقال قدرت در صورت فوت و یا استعفای رئیس جمهور است که در مادهٔ ۶۷) قانون اساسی در نظر گرفته شده است.

در حالت کنونی یعنی تاخیر برگزاری انتخابات، قابل تطبیق نیست.

بنا براین افغانستان در وضعیت پیچیده یی قرار رگرفته و بحران خلای حاکمیت به میان آمده است. قانون اساسی به صورت واضحی نقض گردیده که نمی توان به سادگی راه حل قانونی برای آن پیش بینی کرد. در صورت ادامهٔ این بحران، ضربه شدیدی بر اعتبار واهمیت قانون اساسی وارد شده، راه برای نقض بیشتر آن باز می شود در آینده حکومت ها با بهانه های بی اساس برای تحقق هدفهای خویش آن را نقض خواهند کرد. فکر می شودمتاسفانه چنین ضربهٔ بر قانون اساسی واردشده و جبران آن دیگر غیرممکن گردیده است.

برخی از اعضای مجلس نمایندگان به این نظراند که قانون اساسی افغانستان دارای نقایصی فراوان می باشد، برخی مواد این قانون مانند "اصطلاحات ملبی" جعل گردیده و دولت در بیست مورد آن را نقض کرده است.

با این وجود می توان برای جلوگیری از بحران های آینده و پرهیز از نقض قانون اساسی، اصلاح قانون اساسی در دستور کار حکومت و شورای ملی قرار گرفته، با تشکیل کمیسیونی که مورد توافق تمام گروه های سیاسی و قومی باشد، طرح جامع و بی نقص برای قانون اساسی آماده شود و زمینهٔ برگزاری یک لویه جرگهٔ قانون اساسی فراهم گردد.

اوباما
و چالش دشوار افغانستان



وحید مژده

اوباما فرمان بستن زندان گوانتانامو را در مدت یک سال داده است اما در مورد بستن زندان هایی که نیروهای امریکایی در افغانستان و عراق و کشور های دیگر دارند تا کنون سخنی شنیده نشده است.

باراک اوباما رئیس جمهور جدید ایالات متحدۀ امریکا و معاون وی جوبایدن در جریان کمپاین انتخاباتی خویش روی مسألۀ افغانستان به حدی تاکید ورزیدند که گفته شد مسألۀ افغانستان مهمترین موضوع در سیاست خارجی ادارۀ جدید امریکا خواهد بود. اوباما و بایدن ادارۀ بوش را به این دلیل که مشکل افغانستان را نیم کاره گذاشته و به عراق حمله کرد مورد انتقاد قرار دادند. کاری که موجب شد تا توجه از افغانستان به عراق معطوف گردیده و در نتیجه طالبان مجال ظهور دوباره بیابند.

اوباما قبل از ادای سوگند وفادارای به عنوان رئیس جمهور، از اعزام سی هزار سرباز جدید در افغانستان خبر داد و این نکته نیز نمایانگر توجه جدی وی به افغانستان بود اما مشاورین نظامی اوباما به این باور بودند که اعزام نیروی جدید به تنهایی نخواهد توانست مشکل را رفع نماید و برای ادارۀ بهتر این جنگ نیاز به تغییر راهبردی در سیاست های امریکاست.

اعزام سربازان بیشتر به این معنی است که راهبرد جدید امریکا در مورد افغانستان تاکید بیشتر بر حل مشکل از راه نظامی دارد. حکومت افغانستان اعلام داشت که باید نیروی جدید در سرحدات افغانستان مستقر گردد تا به این وسیله از عبور و مرور جنگجویان از مرز جلوگیری نماید. از نظر حکومت افغانستان هرنوع تغییر در استراتژی ایالات متحدۀ امریکا باید از فشار بر مراکزی که حامی طالبان در آن سوی دیورند هستند شروع شود اما امریکا اعلام داشت که بخش اول از این نیروهای تازه نفس در دو ولایت هم سرحد با کابل مستقر خواهند شد.

هرچند حملات طیارات بدون سرنشین بر مناطق قبایلی پاکستان ادامه دارد و به کشته و مجروح شدن جنگجویانی از کشور های دیگر نیز منجر گردیده است اما حکومت افغانستان این حملات را کافی نمی داند در حالی که دولت پاکستان بارها به صورت مستقیم و غیر مستقیم از امریکا خواستار قطع این حملات گردیده که به این خواست از جانب امریکا توجهی نشده است.

آنچه که تاکنون در بخش نظامی از جانب امریکا در افغانستان دیده شده تغییر زیادی از راهبردهای دوران بوش ندارد. شاید یک دلیل این امر آن باشد که مسؤولین نظامی ادارۀ اوباما همان هایی اند که در دوران بوش نیز دارای همین سمت ها بودند. اما اعزام نیروی بیشتر به افغانستان به این امید صورت می گیرد تا:

از وسعت دامنۀ آشوب به سایر مناطق افغانستان جلوگیری شود.

امکان انتخابات در مناطق آشوب زده مساعد گردد.

فشار برطالبان به حدی افزایش یابد تا آنها در موضع ضعیف تر از حکومت افغانستان قرار گیرند و به مذاکره حاضر شوند.

گذشته از انتقاداتی که قبلاً از طرف مقامات امریکایی صورت گرفته، در گزارش اخیر پنتاگون به سنای امریکا نیز از حکومت افغانستان به عنوان یک حکومت ضعیف و غرق در فساد نام برده شده که موجب گردیده مردم از حکومت فاصله بگیرند و در نتیجه زمینه برای خشم و خشونت فراهم آید

اما در مورد جلوگیری از کشتار غیرنظامیان که در طول هفت سال گذشته یکی از عوامل مهم گسترش دامنۀ ناامنی ها در افغانستان بوده است ظاهراً نشانه ای از تغییر دیده نمی شود. بمباران های کور و بی هدف که از غیرنظامیان قربانی می گیرد، بازرسی های خودسرانه و دستگیری ها و کشتار ها ادامه دارد. وقتی فرمانده نیروهای امریکایی از کشتار بدون محاکمۀ کسانی که متهم به قاچاق مواد مخدر در افغانستان هستند سخن می گوید، در مورد کسانی که متهم به همکاری با طالبان هستند، شیوۀ برخورد کاملاً مشخص است. اوباما فرمان بستن زندان گوانتانامو را در مدت یک سال داده است اما در مورد بستن زندان هایی که نیروهای امریکایی در افغانستان و عراق و کشور های دیگر دارند تا کنون سخنی شنیده نشده است.

گزارش اخیر پنتاگون به سنای امریکا نیز نشان از توجه بیشتر به راه حل نظامی دارد. در این گزارش، نبود تعداد کافی سرباز عامل بی ثباتی جنوب افغانستان قلمداد شده است. در این گزارش از گسترش دامنۀ ناامنی در سال ۲۰۰۸ به عنوان یک چالش بزرگ یادآوری شده است.

امریکا قبلاً اعلام نموده بود که به اردوی ملی افغانستان کمک های بیشتری صورت خواهد گرفت تا توان ایستادن روی پای خود را بیابد اما این که رئیس جمهور کرزی تهدید می کند که اگر سلاح سنگین و طیاره در اختیار اردوی ملی قرار نگیرد او از کشور دیگری آن را به دست خواهد آورد به این معنی است که امریکا وغرب حاضر نیستند تا چنین وسایلی را در اختیار نیروهای افغان قرار دهند. وقتی نیروهای ناتو خود از نداشتن جنگ افزارهای سنگین در افغانستان شکایت دارند، چگونه می توان انتظار داشت که چنین ابزارهایی در اختیار اردوی افغانستان قرار گیرد؟

پس می توان گفت که در بخش نظامی نباید انتظار یک تغییر راهبردی را از جانب امریکا در افغانستان داشت اما نشانه هایی از تغییر در سیاست امریکا در مورد حکومت افغانستان مشهود است. حکومت کرزی بیشتر از قبل مورد انتقاد قرار می گیرد.

گذشته از انتقاداتی که قبلاً از طرف مقامات امریکایی صورت گرفته، در گزارش اخیر پنتاگون به سنای امریکا نیز از حکومت افغانستان به عنوان یک حکومت ضعیف و غرق در فساد نام برده شده که موجب گردیده مردم از حکومت فاصله بگیرند و در نتیجه زمینه برای خشم و خشونت فراهم آید.

درست است که حکومت افغانستان ضعیف و غرق در فساد است اما گذاشتن بار تمام مسؤولیت ها به دوش این دولت به این معنی است که نیروهای خارجی در افغانستان از هر اتهامی بری الذمه اند در حالی که یکی از عوامل مهم تضعیف حکومت کرزی، عملکرد های نیروهای خارجی بوده است.

در این گزارش آمده است که مقایسۀ جنگ افغانستان با ویتنام درست نیست؛ زیرا ما در افغانستان یک نیروی اشغالگر نیستیم. سؤال این است که وقتی شما در کشوری حضور دارید و به خواست دولتش آنهم دولتی که خود به میان آورده اید اعتنایی ندارید و هرچه که دل خودتان می خواهد انجام می دهید، این عملکرد را چگونه به عنوان کمک و نه اشغالگری توجیه می کنید؟

اعزام نیروی بیشتر به افغانستان با خود چالش های دیگری هم به همراه دارد؛ افغانستان کشوری است که به بحر راه ندارد و رسانیدن مواد مورد ضرورت به نیروهای خارجی باید از راه کشورهای همسایه صورت بگیرد. پاکستان یگانه متحد غیرناتویی امریکا در این منطقه، خود با مشکلات امنیتی مواجه است. در حالی که رسانیدن امکانات از راه پاکستان به خاطر ناامنی راه ها مشکل شده است، ناتو در صدد برآمد تا در این رابطه از روسیه کمک بخواهد. روس ها هرچند در این مورد روی خوش نشان دادند اما اکنون به نظر می رسد که روسیه هم برای امریکا در این منطقه برنامه هایی دارد.

در سفر مدودوف رئیس جمهور روسیه به قرغیزستان از کمک بیش از دوملیارد دالری روسیه به این کشور خبر داده شد. باقیوف رئیس جمهور قرغیزستان اعلام داشت که پایگاه هوایی (ماناس) یعنی یگانه پایگاه هوایی امریکا در آسیای میانه را که برای اکمالات نیروهای خارجی در افغانستان نقش حیاتی دارد، خواهد بست.

به نظر می رسد که روسیه اکنون خود را در مقامی می یابد که می تواند در بازی بسیار حساسی با امریکا در این منطقه طرف واقع گردد.

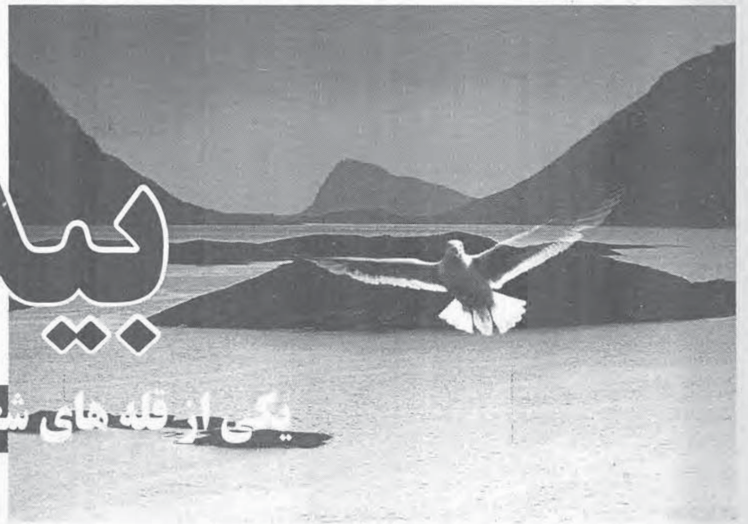
روسیه در کوتاه مدت خواهان شکست و یا پیروزی امریکا در افغانستان نیست بلکه خواهان استمرار یک جنگ فرسایشی در افغانستان برای مدت طولانی است. در کوتاه مدت هر شکست یا پیروزی برای امریکا، شاید به خروج نیروهای این کشور از افغانستان منجر گردد. خروج امریکا از افغانستان به معنی ناامنی های بیشتر در آسیای میانه و قفقاز خواهد بود؛ بنا بر این دوام جنگ در افغانستان به نفع روس هاست که به مصرف امریکا، امنیت مناطقی را که برای امنیت روسیه مهم است، تأمین نمایند.

پیروزی در جنگ علیه طالبان و القاعده نیز می تواند افکار عمومی در امریکا را به این خواست تشویق نماید که باید نیروهای امریکایی از افغانستان خارج شوند. همین اکنون هم در میان مردم امریکا این نظر در حال قوت گرفتن است که ما در افغانستان منافع دیگری نداریم و همانقدر که مطمئن شویم این کشور دیگر برای امریکا خطری ایجاد نمی کند باید به حضور نظامی در افغانستان پایان داده شود.

در شرایطی که روسیه برای انتقال مواد و وسایل غیرنظامی مورد ضرورت نیروهای خارجی در افغانستان از خاک خودش ابراز آمادگی نموده است، دلیل تشویق و کمک به قرغیزستان به بستن پایگاه هوایی امریکا در خاک آن کشور چیست؟ برای چنین تشویقی فقط یک دلیل می تواند وجود داشته باشد؛ روسیه می خواهد این مسیر را تحت کنترول خود داشته به عنوان یگانه طرف، با امریکا معامله نماید.

گزینۀ دیگر برای امریکا مسیر ایران است اما دسترسی به این مسیر نیازمند حل مشکلاتی است که از چندین دهه بر روابط دو کشور سایه افگنده است. مشکلات چندین دهه را نمی توان در کوتاه مدت حل کرد در حالی که امریکا فرصت زیادی ندارد.

درگیر شدن در یک جنگ طولانی و طویل المدت در افغانستان، فرصت بلند پروازی را از امریکا خواهد گرفت و به روسیه این امکان را فراهم خواهد آورد تا دامنۀ نفوذ خود را در منطقه ای که تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی شکارگاه اختصاصی روس ها به شمار می آمد دوباره محکم سازد. شاید روس ها بی میل نباشند تا انتقام شکست در افغانستان را از امریکایی ها در همان میدان جنگ بگیرند. مگر امریکایی ها در دوران جهاد افغانستان علیه اتحاد شوروی نگفتند که می خواهند انتقام شکست در جنگ ویتنام را از روس ها بگیرند؟



بیدل

یکی از قله های شعر فارسی دری

پوهندوی عبد العلی کوهی
استاد دانشگاه کابل

پس از سخنسرای معروف متصوف قرن نهم هجری (عبدالرحمن جامی) بیدل بزرگترین سرایندهٔ زبان فارسی دری محسوب می شود و در ردیف شاعرانی چون: حافظ، مولانا، سعدی، فردوسی، نظامی، سنایی و ... قرار می گیرد.

بیدل زادهٔ هندوستان و پروردهٔ محیط ادبی آن کشور در قرن یازدهم و دوازدهم می باشد. بیدل در عصری می زیست که هند کانون زبان فارسی بود. به همین سبب گاهی او را به عظیم آبادی یا دهلوی ملقب می کنند. بیدل در سال ۱۰۵۴ هجری در شهر عظیم آباد از ایالت پتنه به دنیا آمد. پدر بیدل عبدالخالق نام داشت که سپاهی صوفی مشرب بود.

عبدالخالق نام عبدالقادر گیلانی سرسلسله صوفیان قادری را پسرش گذاشت. اجداد بیدل مغولانی بوده اند که ماورالنهر کوچیده اند. میرزاعبدالقادربیدل از دودمان برلاس از احفاد خدادادخان امیر الای بدخشان، که در عصر تیموری گورگانی سرلشکرارتش بدخشان در عصر همایون بر عهده داشت. او بعداً به کابل آمده و در خواجه رواش به مسکن چغانیان متوطن شده است، گفته اند که بیدل موطن کابل، غریب و مسافر هند، سیاح ایران، عراق و ماورالنهر بوده است.

از مرکز هند تا خط ملتانش
و از حد عراق و یزد تا کانش
در هر معموره که کردیم گذر
اول دیدیم سودا گورگانش

بیدل در آغاز رمزی تخلص می کرد، بعد به بیدل آن را تغییر داد، عصر زندگی شاعر عصر پرآشوب بوده و آغاز زوال خاندان بابری هند تا این که در سن ۷۹ سالگی در ۱۱۳۳ درگذشت.

بیدل شاعر بلند پرواز است، فهم معانی سخنانش برای هرکس مقدور نیست چون کوهیست عظیم ورفیع که نمی توان به قلل اندیشه های آن به آسانی راه یافت. او را جهانی است ماورای جهان ما، جهانی که به پندارعارف بزرگ غزنه سنایی غزنوی، آسمان دیگر و شیب وفراز دیگر دارد.

بیدل دانشمند عارف مسلک فروتن و قناعت پیشه است، بیدل در عرفان از پیروان مکتب هندی به شمار می رود. بیدل دارای پشتوانه قوی فکری است، نگرش های عرفانی، تأملات فلسفی، آموزه های اخلاقی، نکات تربیتی و انتقاده های اجتماعی در اشعار او وجود دارد.

تخیل در شعر بیدل دارای نیروی خاص می باشد. از میان شاعران وامدار شاعر قبل از خود صائب می باشد، اما رد پای خاقانی در شعر او دیده می شود.

بیدل در افغانستان هند، پاکستان، تاجیکستان از شهرت فراوان برخورداراست، و در ایران تا پیش چهره مهجور و ناشناخته محسوب می شده است.

بیدل از کوچکی و خردسالی به سرودن شعر به شیوه ارتجالی وفی البداهه شهرت یافته بود طویکه روزی در مجلس شاه قاسم هواللهی دانشمندان زیاد داد سخن داده اند، بیدل نیز این رباعی را به سمع شاه رساند و طرف التفات وی و تحسین مجلسیان قرار گرفت.

ای دل زغم و نشاط دوران بگذر
از بیم کم و مشکل و آسان بگذر
در گلشن دهر چون نسیم دم صبح
آزاده درای و دامن افشان بگذر

به گفته رنان دانشمند معروف که گفته است:"هنر برخی از نویسندگان دراین است که فلسفه یی داشته باشند، ولی آن را پنهان نمایند، مردم باید جویبارهایی را که از بهشت خارج می شود ببینند، اما نباید به سرچشمه های آن بپردازند".

فلسفه میرزا عبدالقادربیدل نیز در خلال نظم ونثر وی پنهان است که نمی توان به آسانی پی برد، نثر بیدل در چهار عنصر سر تا پا از استعارات و تشبیهات زیبا و صنایع معنوی مملو می باشد و نثر او از آغاز تا انجام لطیف و زیبا می باشد.

در سخنان وی واژه های نامأنوس بیگانه کمتر به کار رفته است، او هیچگاه مانند دیگران جمله های عربی را با فارسی دری مخلوط نه کرده است. تجنیس های خشک و بی رمق در سخنان بیدل دیده نمی شود.

مثلا در این نثر بیدل می خوانیم:"تازگی چمن تا رنگ پریده را آشکارنماید از رگ های گل بادام نهاد و بلبل نالهٔ رمیده را در کنار گیرد و از منقار آغوش گشاد. گردش چشم نرگسش نگاه رفته را از عدم بر می گرداند، پیچش زلف سنبل سر رشتهٔ نفس گسیخته را باز به خود می رساند.

در این نثر ادبی طوری که دیده می شود، سراپا مملو از صنایع معنوی می باشد.

و در آن آهنگ های لطیف رعایت شده است. کمتر ترکیبی است که خالی از استعاره و تشبیه بوده است. چشم نرگس، پیچش زلف سنبل بیشتر استعاره های بیدل استفاده با کنایه می باشد.

"اگر کوشش دود سودا به محمل آرایی خانه بدوشان پردازد، ابر بی دست و پا را در کوه و دشت که می گرداند؟

درمورد شناخت آثار و افکار بیدل بیشتر در دو حوزه هند و افغانستان، تحقیق صورت گرفته است که می توان از نقد بیدل شاعر نوشته صلاح الدین سلجوقی، و آثار قاری عبدالله ملک الشعرا شایق افندی فیض محمد قد اثر استاد خلیلی، و دیگران در افغانستان یاد آور شد. به همین گونه دانشمندان هندی نیز درباره بیدل و افکار وی کتب فراوان به اردو و فارسی نگاشته اند که می توان از خواجه عبدالله اختر و عبدالغنی نام برد.

بیدل شاعران زیادی پس از خود را در نازک خیالی، خیال پردازی گزینش استعاره و تشبیه تغذیه نموده است امروز از مرگ بیدل نزدیک به سه قرن می گذرد، و گویندگان زبان فارسی دری او را الگوی شعر و تخیل شاعرانه،انساندوستی و به مثابه یک عارف وارسته و به کمال رسیده در نظر دارند.

اکثر دانشمندان به این باور اند که بیدل درهمان حویلی اقامتگاه خود چبوتره ای برای قبر خود از مدت ده سال درست کرده بود به خاک سپرده شده است. بعد از مرگ بیدل در زیر بالین شاعر این رباعی دست یاب گردیده است.

بیدل کلف سیاه پوشی نشوی
تشویق گلوی نوحه گوشی نشوی
برخاک بمیر وهمچنان رو برباد
مرگت سبک است بار دوشی نشوی

بیدل تمام انواع سجع را به کار برد چون در آن شرایطی سجع از کمال نثر محسوب می شد. بیدل ترکیب هایی را به کاربسته است که همه آنها مخصوص خود اوست، مانند برگ گل آستین شوخ، عشرت خرام، طپش آهنگ تحقیق نوا، خاموشی سرمایگان، شرده ایما.... و

کلماتی را که افادهٔ کثرت و ظرفیت رامی نماید. فراوان به کاربرده است، مانند صد خمستان نشه، هزار بهار آغوش، صدچمن نازنینان، صد نرگستان چشمک را نثر بیدل هرگز نتوانسته است، به پا به نظم و شعر آن همسری نماید.

سردار نصرالله نایب السلطنه که از انسان های صاحب ذوق بود سخن شناسان کشور را دورهم جمع کرد، آن ها دیوان بیدل را تصحیح و مقابله نمودند. دیوان تا ردیف دال رسیده بود که آن مرحوم دیده از جهان بست.

غزلیات بیدل با این مطلع آغاز می شود:

به اوج کبریا کز پهلوی عجزاست راه آنجا
به سر مویی گر اینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

این غزل تمهیدیه در ابتدای غزلیات چاپ کمل درج شده است، حالا یکی از غزلیات بیدل به عنوان حسن ختتام تقدیم می گردد:

فریبم می دهد آسودگی ای شوق تدبیری
به رنگ غنچه خوابی دیده ام، ای صبح تعبیری
ندانم دل اسیر کیست، اما این قدر دانم
که در گرد نفس پیچیده است آواز زنجیری
جهان میدان آزادی است، اما مرد وحشت کو؟
بنالید از نیستان تعلق ها نی تیری
به مغروران طاقت برنمی آیی مداراکن
نیاز سرکشان دارد خم تسلیم شمشیری

* * *

دو شعر از کاظم کاظمی

شیشه و چوب

تو را از شیشه می‌سازد، مرا از چوب می‌سازد
خدا کارش درست است، این و آن را خوب می‌سازد

تو را از سنگ می‌آرد برون، از قلب کوهستان
مرا از بیدِ خشکی در کنار جوب می‌سازد

در آتش می‌گدازد، تا تو را رنگی دگر بخشد
به سوهان می‌تراشد تا مرا مطلوب می‌سازد

تو را جامی که از شیر و عسل پُر کرده‌اش دهقان
مرا بر روی خرمن برده خرمن‌کوب می‌سازد

تو را گلدان رنگینی که با یک لمس می‌افتد
مرا گرد سرت می‌چرخم و جاروب می‌سازد

تو از من می‌گریزی باز هم تا مصر رؤیاها
مرا گرگی کنار خانه‌ی یعقوب می‌سازد

مرا سر می‌دهد تا دشت‌های آتش و آهن
و آخر در مصاف غمزه‌ای مغلوب می‌سازد

خدا در کار و بارش حکمتی دارد که پی در پی
یکی را شیشه می‌سازد، یکی را چوب می‌سازد

سرزمین خویش

موسی به دین خویش، عیسی به دین خویش
ماییم و صلح کل در سرزمین خویش

همسایگان خوب! قربان دستتان،
ما را رها کنید با مهر و کین خویش

ما با همین خوشیم، گیرم که جملگی
داریم دست کج در آستین خویش

ای دوست! عیب من چندان بزرگ نیست
آن قدرها مبین در ذرّه‌بین خویش

دیگر چه لازم است با خنجرش زنی
هر کس که ترش کرد سویت جبین خویش

خواهی علف بکار، خواهی طلا بیاب
وقتی نشسته‌ای روی زمین خویش

د ملګرو ملتونو د پاملرني وړ:

که د اساسي قانون د څارني کميسيون واي نو ستونزه به حل واي

همدارنګه بلې خوا ته نړيواله ورورولي هم مسؤوليت لري چې د ولسشمرۍ ټولټاکنې او هم شفافيت يې تضمين کړي، څو افغانان د خپلې خوښې زعامت او قيادت غوره کړي، هغه قيادت او زعامت چې "اوباما" ته انتظار نه باسي او ورسره نه ګوري

پاتې له لومړي مخ نه

د ولسواليو د شوراګانو د ټاکنو د سرته نه رسيدلو لامله د ولسواليو د استازو برخاې مشرانو جرګې ته راغلي دي: ځکه د آساسي قانون څلور اتيايمه ماده -چې د مشرانو جرګې د غړو د جوړښت په هکله ده . په ډاګه کوي چې د مشرانو جرګې له يوسلو او دوه تنو غړو څخه څلور دېرش تنه (يو ثلث) د ولايتي شورا له استازو څخه د څلورو کلونو لپاره. او دوهم ثلث يې چې د ولسواليو له استازو څخه وي. د دريو کلونو لپاره به. په مشرانو جرګه کې غړيتوب لري او پاتې دريم ثلث به يې چې د کوچيانو. او معيوبينو او معلولينو دوه دوه تنه استازي هم په کې شامل دي. د ولسمشر لخوا انتصابيږي. چې د هغوی موده به د پنځو کلونو لپاره وي .نو په دې بنياد د مشرانو د جرګې د غړو د يو ثلث موده د آساسي قانون له مخې پوره شوې ده خو د قوانينو جوړونکې او څارونکې اداري (ملی شورا) له مينځه د مشرانو جرګې غړي په دې اړه چپ نست ؤ ځکه چې په زيان يې تماميده. مګر د ولسي جرګې غړو دا مسئله را اوچته کړه چې خبره يې د قانون له مخې وزن لري: او دا ځکه چې آساسي قانون په دې هکله پوره وضاحت کړی دی چې د يوه ثلث موده يې دري او د بل څلور. او د انتصابي ثلث پنځه کلونه بنودلې ده او د دري کلونو موده هم د ولسواليو د شوراګانو د استازو ده چې برخاې هر څوک راغلي وي نو د هغوي موده پوره شوې ده. خو عجيبه دا ده چې د مشرانو جرګې مشر روحاني شخصيت جناب حضرت صاحب هم تردې حده جلالي کيږي چې د قانون څخه په سرغړاونه کې له يوې خوا ولسي جرګه د کمونيستانو لخوا يرغمال شوې ګڼي او له بلې خوا د درانه او روحاني تشخص برخاې قومنداني تشخص او صفت غوره کوي او وايي چې د چا زور رسيږي نو را دې شي ... هغه د چا خبره چې ورانه ده تو له خانه ده! د حضرت صاحب خبره هم صحيح ده: ځکه چې د ولسمشر لخوا ټاکلی شوی د ټاکنو خپلواک کميسيون آساسي قانون په پښه وهلي شي او ټولټاکنې د جوزا د مياشتې د لومړۍ نيټې څخه لا د مخه وخت څخه .چې د ولسمشرۍ موده پرې پای ته رسيږي .تر د زمري د مياشتې د نهه ويشتمې نيټې پورې وروسته کولای شي نو د مشرانو جرګه هم له چا څخه کمه نده: ځکه د دې جرګې د مشر زور خو د ولسمشر څخه هم زيات دی ولې چې د ولسمشر تنظيمي مشر دی او له بلې خوايي روحاني تشخص تر دې حده په سناتورانو صاحبانو حاکم دی چې په نړۍ کې چيرته هم يو انتصابي غړی د يو مقننه ارګان د مشرۍ لپاره نشي کانديدلای، خو د امريکا لخوا افغانستان ته د ډالۍ شوې دموکراسۍ! او ولسواکۍ! په قاموس کې دا هم روا ده. فکر کيږي چې د کرزي دولت نوموړي ته د ولسمشرۍ د څوکۍ د خوند ورکولو لامله هغه نور په راتلونکو ټولټاکنو کې خپل بريليتوب په دې کې ويني چې د امريکايانو سره "اوباما" ته د رايو ورکولو لامله نوره دښمني وکړي ولې چې "اوبما" خو لا د چنګښ په مياشت کې د کرزي دولت د ناکامۍ خبره کوله او د واک ګدۍ ته د رسيدلو وروسته او بيا د "بايدن" افغانستان ته د راتګ پر مهال يې له کرزي سره د ليدنې پر مهال د هغه په دولت کې د سرطان د ناروغۍ په څېر خپور شوي اداري فساد او مافيايي ډلو شتون کرزي ته په يادولو سره يې اړيکې ترينګلې شوې وې چې په دې وروستيو کې کانګرس ته د امريکا د دفاع وزارت لخوا د کرزي دولت په بشپړه توګه د ناکامۍ په راپور وړاندې کولو سره نور کرزی او د افغانستان په دولت کې د هغه ملګري دې نتيجې ته رسيدلي دي چې نړيوال مو نور په واک کې نه پريږدي. راځئ چې له بدمعاشۍ کار واخلو او داسې لهجه غوره کړو چې ولس پرې راڅخه خوشحاله شي چې د همدغې انګيرنې له مخې له يوې خوا د ټولټاکنو وروسته کول او له بلې خوا د مشرانو جرګې د آدرس لخوا د قومندانۍ لهجه کارول د هيواد دغه نسبي امنيت هم له ګواښ سره مخ کوي. خو د دواړو جرګو لخوا راولاړ شوی کړکيچ خامخا حل غواړي: ځکه د هيواد آساسي قانون .که څه هم نيمګړتياوې لري . د ښو لاندې کول يې د حل ليار نده او چې ترڅو د آساسي قانون د څارنې خپلواک کميسيون چې .د آساسي قانون (۱۵۷) ماده يې غوښتنه کوي .جوړ نشي. ښايي دا کړکيچ او ستونزې به نورې هم زياتې شي. نو لومړی کار چې دولت ته يې کول په کار دي بايد چې دغه کميسيون جوړ کړای شي او خبره دې حدته ونه رسيږي چې د لويې جرګې غوښتونکي شي: ځکه د لويې جرګې جوړښت هم ناشونی دی: ولې چې د ولسواليو د شوراګانو انتخابات هم د کرزی دولت په خپل وخت ترسره نکړل چې لامله يې د لويې جرګې انعقاد ناممکن دی: چې دا کار پخپل ځای د کرزي دولت ناکامي په ګوته کوي او بلې خوا ته د کرزي په دولت کې د اداري فساد لامله د څوکيو پلورل او د مافيايي ډلو مسابقه او تر ښو پوری په اداري فساد کې د ډوبو وګړو شتون چې په هر وزارت کې يې نور بوي کړی. افغان ولس نه شي تحمل کولای. همدارنګه بلې خوا ته نړيواله ورورولي هم مسؤوليت لري چې د ولسشمرۍ ټولټاکنې او هم شفافيت يې تضمين کړي. څو افغانان د خپلې خوښې زعمت او قيادت غوره کړي. هغه قيادت او زعمت چې "اوبما" ته انتظار نه باسي او ورسره نه ګوري. بلکې د افغان ولس په مينځ کې اوسي او د ولس له مينځه راټوکيدلی وي. نه دا چې له بهر څخه وارد شوی وي، او هم د افغانستان موجوده دولت دنده لري چې آساسي قانون پلی کړي او ټاکنې په خپل وخت ترسره کړي او که چيرې ټاکنې له خپلې مودې وروسته کيږي نو بيا د واک او قدرت خلا په عملي توګه مينځ ته راځي. بيا په کار ده چې مؤقت حکومت جوړ شي چې غړي يې په راتلونکو ټاکنو کې کانديدان نه اوسي. په دې ترتيب به د ټاکنو شفافيت هم تضمين شي. ورنه له دې پرته افغان ولس ښايي له ټاکنو مقاطعه اعلان کړي. چې دا د نړيوالې ورورولۍ لپاره ښه زيری ندی.

پيښور خو پيښور دئ

خاطراتی از سفر به پشاور

بينوا

حضور افغان ها: هنوزهم تعداد زيادی از ساکنان نواحی مختلف پشاور بخصوص حيات آباد و تهکال را افغان ها تشکيل می دهند، دکان ها، کراچی ها، تکسی ها، و ريکشاها را افغان ها در اختيار دارند، گويا کسی به وطن بر نگشته و در جاده ها، بازار ها، و محلات پشاور کماکان حضور دارند.

برنامه های تلويزيون: طی سال های اقامت در پاکستان (۵۷-۷۴) که بيشترين آن شامل حکمروايی شهيد جنرال ضياءالحق بود، در برنامه های تلويزيونی و بخصوص اخبار، حجاب شرعی رعايت می شد، خانم ها چادر داشتند و صحنه های خلاف عفت در تلويزيون ها به ندرت مشاهده می شد ولی در اين روزها و به خصوص پس از به قدرت رسيدن حزب مردم، در اکثر درامه ها و همه گوينده گان (زن) در اخبار، چادر ندارند! به همين ترتيب رئيس جمهور، صدر اعظم و وزرا اکثراً با لباس اروپايی ظاهر می شوند که قبل از دوره مشرف معمول نبود و از زمان جنرال ضياء الحق تا اوايل دورهٔ مشرف رئيس جمهور و صدر اعظم لباس ملی می پوشيدند که شکلی رسمی به خود گرفته بود که بالا پوش يخن بسته (شيروانی) بود.

عمليات نظامی: فردای روزی که قرار بود به کابل برگرديم، پس از ادای نماز فجر، پدر خانمم گفت که از نيمه های شب صدای فير هاوان از سمت جمرود به گوش می رسيد، قبل از حرکت، تيلفونی از يکی از دوستان که در ترمينال موتر های تورخم ملی بس دارد، از با خبر بودن راه پرسيديم. او پاسخ منفی داد و گفت که به دليل آغاز عمليات مسلحانه عليه طالبان و آشوبگران در خيبر ايجنسی، راه مسدود شده و موتر ها به طرف تورخم نمی روند، ما تقريباً يک هفته منتظر مانديم تا عمليات متوقف گرديده و راه باز شد.

در مسير راه ديديم که بعضی از دکان ها وخانه های کنار جاده ويران گرديده است و به وضوح ديده می شد که در اثر عمليات مسلحانه تخريب شده است. اين دکان ها و خانه ها متعلق به مخالفين دولت پاکستان بوده است. اين مخالفان که بيشتر طالبان اند، مخالف همکاری دولت با امريکا و ناتو ميباشند و بارها کاروان های اکمالاتی ناتو را در مسير راه مورد حمله قرار داده اند، آنها اخيراً ده ها موتر و وسايل نظامی ناتو را که نزديک شهر پشاور آمادهٔ انتقال به افغانستان بود با راکت مورد حمله قرار دادند که همهٔ آن در آتش سوخت و مناظر آن را تلويزيون ها به نمايش گذاشتند! قيام عليه دولت، فقط در وزيرستان خلاصه نمی شود بلکه در باجور و ملاکند نيز شورش ها ادامه دارد و در اين اواخر در منطقه سوات، طالبان ۴۵۰ مکتب دخترانه را بسته اند ولی اخيراً اعلام کرده اند که دختران می توانند تا صنف ششم به مکتب بروند...

موضوع قيام و شورش در برابر حکومت بحث جداگانه است، که تحليل بيشتر را ايجاب می کند ولی در يک بحث تلويزيونی رستم شاه مهمند سفير سابق پاکستان کابل و افغان کمشنر در سال[illegible] جهاد به وضاحت گفت ک[illegible] قبايلی و جرگه از صدها س[illegible] است و مغول ها، انگليس ها و حتی سک ها به آن احترام گذاشته اند ولی حکومت مشرف آنرا زير پا گذاشت وباحمله به مناطق قبايلی، قيام ها و شورش ها را سبب شد. مهمند اضافه کرد که بيت الله مسعود نيز با حکومت رابطه دارد ولی فشار و نظام حکومت بر منطقه باجور بيشتر است.

نام ها: اصلاح نام ها يکی از اشتباهات معمول در پاکستان است.

وکيل حوزهٔ تهکال در شورای ايالتی عاطف الرحمن نام دارد ولی در پوسترهای انتخاباتی که هنوز هم به روی ديوار ها وجود دارد، در بعضی پوسترها عطيف الرحمن نوشته شده است!

نام های عجيب در مناطق قبايلی نيز به کثرت وجود ميسر راه پشاو[illegible] برو[illegible]

متن سخنرانی استاد برهان الدین ربانی در گردهمایی جوانان جمعیت اسلامی افغانستان در کابل که به تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۵



استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان در جمعی از جوانان:

مجموعه های کوچک نمی توانند در مسیر تحولات فعلی، اثرگذاری داشته باشند. این جاست که باید مجموعه هایی که پراگنده کار می کنند به صورت هماهنگ کار کنند

الحمد لله و الصلاة والسلام علی رسول الله و بعد:

جوانان عزیز، خوشحالم که امروز در جمع شما قراردارم، با دیدن شما خاطرات روزگار جوانی و تحصیل به یادم آمد که چگونه با افکاری راجع به سرنوشت آیندهٔ سیاسی کشورسرگرم بودیم.

شما امروزدر برابر امتحان تاریخ قرار دارید، گروه های سیاسی تا زمانی که به صورت هماهنگ کار نکنند اثر گذار نمی باشند. مجموعه های کوچک نمی توانند در مسیر تحولات فعلی، اثرگذاری داشته باشند. این جاست که باید مجموعه هایی که پراگنده کار می کنند به صورت هماهنگ کار کنند. شما جوانان که رهبران آینده هستید. باید رهبری تفکرات سیاسی و اجتماعی جامعهٔ خود را به دست خود بگیرید. شما وقتی می توانید موفقانه این رسالت را انجام بدهید که یکدیگر را بشناسید، با هم دیگر کار کنید و با اندیشه های یکدیگر آشنایی پیدا بکنید. سنت تاریخ است که نسل به سال رسیده مسؤولیت ها، هدف ها و اندیشه ها را به نسل بعدی می سپارد، رسالتی را که نسل ما به دوش کشیده بود از این به بعد مربوط به شماست. شما وارث بر حق این ارزش ها هستید، وارث برحق این سرزمین هستید، باید جایگاه خود را در رهبری، در عرصهٔ تفکرات و اصلاحات اجتماعی در جامعه تثبیت کنید.

از همین حالا باید کار را شروع کنید، وقتی فردا مصروف شدید شاید نتوانید کار زیادی را به پیش ببرید. در این مرحله که علم می آموزید باید در این مرحله خود را سازماندهی هم بکنید.

برهمین مبنی بود که از همه برادران عزیز خواستم همآهنگ شوند که البته این یک گام نخست است. کارهای زیادی باید انجام بدهید و با یک ارادهٔ شکست ناپذیرکار و تلاش کنید.

کاری که در جوانی آغاز می گردد باید پی گیری شود، کار مقطعی و فصلی در فعالیت های اجتماعی زیاد دست آوردی ندارد در باب سیاست، در باب فعالیت های اجتماعی و هرکار دیگری که صورت می گیرد، باید با ارادهٔ قوی و با پشت کار صورت گیرد.

واضح است که دشواری هایی پیش روی انسان قرار می گیرد، زندگی کشمکش و تلاش همیشگی ...ت، اگر در زندگی مشکلات نباشد ...ه خود را از دست می

دومین ویژگی که باید در کارهای شما باشد، مصمم و با اراده باشید، وقتی کاری را که شروع کردید کوشش کنید که آن را به نتیجه برسانید، کارهای خودرا در نیمه راه رها نکنید، انسان هایی که کاری را درنیمه راه می گذارند وکار دیگری را شروع می کنند، هیچ چیزی از دست شان بر نمی آید.

، بکوشید کشمکش ها و اختلافات شخصی، قومی، زبانی و سمتی را کنار بگذارید، روی باورهای دینی و مصالح ملی جمع شوید. بکوشید که از همین حالا اختلافات خود را کم بسازید. شکی نیست که انسان ها محصولات ماشینی نیستند، تفکرات مختلف و نظریات مختلف دارند، اما نباید افکار متفاوت باعث تفرقه و اختلاف شود، بلکه باید باعث تکامل و ترقی جامعه گردد. هرقدرکه جامعه از تفکرات مختلف شکل گیرد به همان اندازه جامعه متکامل می شود.

من یقین دارم که نسل امروز نسل بسیار هوشیاری است، فهم وسیعی در رابطه به جامعه دارد. در روزگار ما وضعیتی خوبی نبود رسانه های آزاد اصلاً وجود نداشت، کتاب بسیار کم بود، به یاد داردم که کتابی در ایران برضد تفکرات مارکسیستی نوشته شده بود یک نسخهٔ آن را که به دست ما رسیده بود، آن را صدها نفر خواندند، یکی به دیگری می فرستادند و عدهٔ آن را نسخه برداری می کردند، این کتاب ها و روزنامه هایی که امروز در اختیارشما قرار دارد، دردوران ما نبود، رسانه ها و ...ت و وسایل دیگری که در ... شما هست در روزگار ما نبود، ... امروز بسیار فروان است، ...ما می توانید در پشت یک کمپیوتر بنشینید و توسط اینترنت تمام دنیا را ببینید، روزنامه های تمام دنیا را بخوانید، رادیوها را بشنوید و به همه اطلاعات دسترسی پیدا کنید، به این اساس شرایط و امکانات برای شما آگاهی بیشتر و نیرومندی بیشتر می بخشد.

من به این عقیده هستم که شما باهم دیگر در رابطه باشید، از جوانانی که فعلاً دربین شما نیستند بخواهید که باشما بپیوندند، برنامه های تان را همآهنگ بسازید، چیز دیگری را که بسیار مهم است و من برای شما توصیه می کنم باید انگیزهٔ کار و فعالیت را در وجود خویش تقویت کنید. برای هر جنبش و فعالیتی انگیزه حتمی است به اصطلاح، الفبای هرحرکت وجود انگیزه است.

شما انگیزه های نیرومندی دارید. اول شما انگیزهٔ اعتقادی دارید، یعنی شما برای دین کار می کنید، دوم این که شما جوان هستید و سرشار از عشق به کار و فعالیت، سوم شما در برابر یک نوع تهاجم فکری و فرهنگی قرار دارید، هر عمل یک عکس العمل دارد، وقتی ارزش های ما زیر پا می شود وقتی کشورما درحالت بدبختی و افسردگی به سر می برد ، این ها همه برای جوانان انگیزه ایجاد می کند.

انگیزه دیگر جوانان این است که می خواهند حضور داشته باشند، در سیاست و تحولات اجتماعی تأثیر گذار باشند و دیگر این که، شما با این باور که وارث مجموعه از افتخارات بزرگ تاریخی.و ارزش ها و دست آوردها هستید، وارث برحق این سرزمین هستید، این انگیزه ها شما را به حرکت وکار و فعالیت وادار می کند و به همین اساس، هم چشمی و رقابت با دیگر گروه ها و مجموعه ها می تواند برای نسل جوان انگیزه ایجاد بکند.

من شب گذشته سایت های انترنیتی را می دیدم، سایتی یافتم تحت عنوا ن جوانان بیدار، از بررسی مطالب و عکس ها دانسته می شد که یک گروه چپی و مارکسیستی هستند. دراین سایت به ارزش های دینی توهین شده بود و مردم را به بی دینی فرا می خواندند. آنها در راستای باورهای نادرست خویش می کوشند در حالی که شاید آنها مجموعه های بسیارکوچکی باشند.

توصیهٔ ما این است که شما باید سایت های انترنیتی داشته باشید، شرایط برای شما خیلی مساعد است، وقتی ما به مبارزه شروع کرده بودیم جای برای نشستن نداشتیم، ما در زمستان های سرد آن زمان زیر بیست درجه زیر صفر، در باغ بابر از طرف شب روی زمین یخ بسته جلسه می گرفتیم و پیام خود را با یگدیگر تبادله می کردیم، اما امروز آن شرایط نیست، شما می توانید درتالارهای بسیار سرگشاده در حضور رسانه های جمعی حرف های خود را بیان کنید، شرایط تغییرکرده فعلاً ما و شما در اوضاع بهتری قرارداریم، لذا توصیه می کنم که از شرایط استفادهٔ زیاد کنید، اگر چنین نکنید عرصه را به دیگران می گذارید، سنت زندگی همین است که د رتنازع بقا میدان از کسی است که نیرومند باشد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: "ای مسلمانان کسی از شما که از دین خود مرتد می شود، خداوند مردمی را خواهد آورد که خداوند را دوست می دارند و خداوند آنها را دوست می دارد، آنان در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرفراز خواهند بود. در راه خدا مبارزه می کند و در برابر ملامت ملامت کننده هراسی ندارند یعنی مرممان دلیر و شجاع هستند.

بر این اساس اگر شما صحنه را برای دیگران بگذارید و کسانی که معتقد به دین نیستند بیایند رهبری جامعه را آنها بگیرند. نسل دیگری که بهتر از شما جای تان را خواهد گرفت.

بناءً اجازه ندهید که حاکمیت فکرواندیشه از دست شما برود. شرایط مساعد است، باید زیاد کارکنید.

یقیناً جوانانی که دراین جا هستند کسانی اند که درسنگرهای پرافتخارجهاد دردوره های مختلف نقش داشتند همه شما دریک پیوند فشرده قراردارید از یکدیگر بیاموزید.

کسانی که تجارب بیشتر دارند باید پیشرو باشند، جوانان دیگر که تازه به میدان آمده اند باید بیاموزند باگذشته های خود ارتباط فکری داشته باشند.

موضوعی که توجه شما را به آن جلب می کنم این است که یک نوع هجوم علیه فکر و فرهنگ ما در جریان است مخصوصاً قدسیت ها را می خواهند پامال کنند، مثلاً می خواهند جهاد و مبارزهٔ مردم افغانستان را با افتراآت بدنام سازند. مجاهدین را جنگ سالار و تفنگ سالار می نامند، و یا این که می گویند افغانستان را ویران کردند.

کسانی این حرف ها را می گویند خودشان در افتخارات مقاومت و جهاد و آزادی وطن حضور نداشتند، آنها اکنون احساس تقصیر و خجالت می کنند. آنها می بینند که در سنگرهای دفاع و مقاومت حضور نداشتند، وقتی ملت با پای برهنه در برابر اتحاد شوری جهاد می کرد آنها از دور مسخره میکردند و در خواب خرگوشی خود بودند، وقتی آمدند می خواهند اکنون حرفی برای گفتن داشته باشند، اما حرف های نادرستی می گویند و به ارزش های جهاد و مقاومت ناجوانمردانه حمله می کنند.

باید ازتاریخ پرافتخارجهاد خود دفاع بکنیم، این جهاد نه نتها در تاریخ افغانستان بی نظیر بوده بلکه درتاریخ جهان کم مانند است. این که یک سلسله مشکلات پیدا شد و عناصر مفسدی کارهای نادرستی را انجام دادند ، نمی تواند سیمای درخشان جهاد و مجاهدین را لکه دار سازد.

شما تحولات تاریخی کشورهای دیگر را مطالعه کنید، در برخی انقلاب ها، میلیون ها انسان کشته شد. درکشورهای شرقی طبعاً تلفات زیاد است در همین کشورهای غربی که خود را علمبردار آزادی و حقوق بشر می دانند، تاریخ شان مملو از جنگ های خونین است، اروپا دو قرن تمام بایکدیگر جنگیدند.

انقلاب های فرانسه که همهٔ اروپا به آن افتخار هم می کنند، یکی از این انقلاب هاست که بیشترین خون ها

متن سخنرانی استاد

پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه نود هزار نفر که شماری از آنها انقلابیون بودند سربریده شدند.

اما غربی ها آن انقلاب را به نام انقلاب کبیر می گویند، هنگام تأسیس ایالات متحدهٔ امریکا سفید پوستان اروپایی حدود ده ملیون سرخ پوست را... در امریکای شمال وجنوبی کشتند و مدت های زیادی درگیرجنگ داخلی بودند بعد ازاین که جنگ های شان خاتمه یافت، آن روز را به نام روز آزادی واستقلال نام نهادند.

حرکت های مسلحانه که درمغرب زمین صورت گرفت زیربنایی تمام نظامی های سیاسی کنونی است.

آنهارا هیچ کس حرکت های تروریستی و تفنگ سالار نخوانده است، دوگول جنگ کرد وقتی آزادی فرانسه را از آلمان گرفت او به به عنوان قهرمان بزرگ نه تنها در فرانسه بلکه در جهان امروزی شناخته شد حزب "دیگول" به عنوان حزب قدرتمند فرانسه که سرکوزی رئیس جمهور کنونی عضو آن است در آن کشور دارای نفوذ زیادی است. حکومت های فرانسه یکی بعد از دیگری در اختیار این حزب قرار می گیرند. احزاب دموکرات و جمهوری خواه درامریکا و همین طور در انگلستان و هند کبیر احزابی هستند که دراوج تنش ها اساس گذاری شده اند، اما امروز دررهبری جامعه شان نقش اصلی دارند.

اما درافغانستان وقتی در برابر اتحاد شوروی مبارزه صورت گرفت، بعد از پیروزی داستان جنگ سالار و تفنگ سالار سر داده شد و خواستند که با پخش شایعات و اتهامات نسل جوان را دچار تردید کنند و آنها را به گذشته پرافتخارشان بی باور سازند. گذشته یی که تاریخ را ساخت، جغرافیا را تغییر داد و ملت های زیادی را آزاد کرد.

ملت های که حرکت خود را برمبنای افتخارات تاریخی خود استوار نسازند، ملت های بی هویت می باشند، آنها نمی توانند به عنوان یک واقعیت موجودیت خود را تثبیت نمایند. توصیهٔ من برای شما این است که خود را در برابر این توطیه ها آماده بسازید، به خود ببالید و افتخار بکنید، امیدوارم هستم آن روزها بسیارنزیک باشد که شما به موج خروشانی تبدیل شوید و تحول بزرگی درسرزمین تان بیاورید. جوانان زیادی را بر محور آرمان های بلند خود جمع کنید، با ایمان و تصمیم قاطع باید خود را آماده بسازید، هرتحول اصلاحی که به نفع ملت و مردم تان باشد، شما در پیشاپیش این تحول باشید زیرا شما نسلی استید که صاحب پشتوانهٔ بزرگی ازحماسه های تاریخی می باشید. شما به دیگران پیام ایمان و تقوی و طهارت را برسانید.

من یقین دارم از این به بعد احزابی که معتقد به انتخابات و آرمان های جهاد و مبارزه هستند، احزاب تاریخ ساز می باشند. شما جوانانی هستید که آینده را می سازید، کسانی که برای کشورکاری نکردند آنها نباید جای کسانی را بگیرند که برای کشورشان حماسه آفریده اند، آنها هیچ گاهی باشما برابرنخواهند بود.

درمیان شما برادرانی هستند که درعمق تحولات بوده اند و هستند، علمای جوان، آقای ریگستانی، آقای واقف، آقای شمس الله خان این ها کسانی اند که دراین رابطه با شما همکارخواهند بود.

اقول قول هذا استغفرالله لی ولکم ولسایرالمسلمین

انقلاب اسلامی ایران

و سی سال پس از پیروزی

در براندازی رژیم استبدادی پهلوی اتفاق نظر داشتند و وجود آن را مانع اصلی بر سرراه استقلال حقیقی و توسعهٔ ایران می دانستند.

این نهضت آزادی خواهی در ایران بیش از یک سده پیشینه داشت. آغاز این نهضت به جنبش آگاهی بخش سیدجمال الدین افغانی در اواخر قرن نزدهم باز می گردد.چون ایران یکی از محورهای مهم ترویج افکار سید بوده است.

سیدجمال الدین افغانی در برپایی نهضت تنباکوی آیت الله میرزای شیرازی برضد سلطهٔ انگلیس در ایران نقش آشکار داشت. سپس در تداوم این نهضت، انقلاب مشروطیت با افکار واندیشه های علامهٔ نائینی و هواداران او به وقوع پیوست و پس از آن ایران شاهد نهضت ملی به رهبری محمد مصد نفت شد.

همهٔ این تحولات زنجیره یی از سیر تکاملی پیشینهٔ انقلاب اسلامی ایران را می سازد. تا آن که در رستاخیز ۱۵ جوزا/ خرداد سال ۱۳۴۲ قیام امام خمینی این تحولات را وارد مرحلهٔ تکامل یافتهٔ آن کرد.

درطی این فعل و انفعالات جامعهٔ ایران از درون بسیار متحول شده بود وهمهٔ طبقات اجتماعی آن در پیوند تنگاتنگ با انقلابیون قرار داشتند. نهضت چپ در ایران با ترویج طیف هایی مختلف از اندیشه های کمونیستی نیز به شتاب گرفتن انقلاب یاری کرده بود. اما نیروهای چپی روز تا روز جاذبه های خود را در برابر نیروهای اسلامی از دست می دادند.

در بسیاری از کشورهای شرق به ویژه کشورهای مسلمان، دیگر غرب جاذبه یی در میان فرهنگیان و روشنفکران نداشت و گسترش افکار و اندیشه های اسلامی در میان جامعهٔ دانشگاهی روز افزون شده بود و ایران از شمار این کشورها بود.

رهبری خردمندانه و شخصیت نافذ و پرجاذبهٔ امام خمینی، همبستگی روشنفکران و روحانیان، و مشارکت شیعی و سنی در امر انقلاب و ظهور اندیشه ورزان و نظریه پردازانی نیرومند مانند مهندس مهدی بازرگان و آیت الله مرتضی مطهری و آیت الله تالقانی ودکتر علی شریعتی و آیت الله محمد حسین طباطبایی و... بی تردید یکی از عوامل مهم در شتابان شدن انقلاب اسلامی در ایران بود.

از عوامل بیرونی پیروزی انقلاب اسلامی ایران معاملهٔ ستم آمیز جهان غرب با کشورهای مسلمان و پشتیبانی آن از اسرائیل در منطقه و ناموفق بودن طرح های سوسیالیستی و کمونیستی که رهبری شوروی وقت و چین به عنوان بدیل طرح های غربی در تحقق بخشیدن به عدالت و ارزش های انسانی می توان نام برد. همچنین گسترش اندیشه ها و طرح های اسلامی در کشورهای دیگر اسلامی مانند مصر و عراق و سوریه و پاکستان و ... به اوج گیری انقلاب اسلامی در ایران کمک کرد.

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی



در طی این سی سال به چالش هایی فراوان در بیرون و درون ایران مواجه شد. انقلاب اسلامی ایران در سطح بین المللی مورد تحریم های سیاسی اقتصادی قرارگرفت و آماج موج گسترده یی از تبلیغات در عرصه های مختلف شد.

انقلاب اسلامی در داخل نیز به مخالفت هایی شدید از سوی نیروهای چپی و مخالف واقع شد، بمب گذاری ها و ترور هایی که غالباً سران و رهبران انقلاب آماج

انقلاب اسلامی ایران از میان این همه دشواری ها تا کنون به موفقیت به در آمده است. در عرصه های گوناگون زندگی مانند علم و فناوری، اقتصاد وکشاورزی، فرهنگ و آموزش و پرورش دست آوردهایی مهم داشته است؛ دست یافتن ایران به تکنولوژی هسته یی و موشک های دور برد و پرتاب ماهواره به فضا در این روز ها از مظاهر روشن این موفقیت است.

آن ها قرار گرفتند، در درون سازمان داده شد و ازبیرون صدام حسین به جنگ هشت ساله بر ضد نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران پرداخت که پشتیبانی بسیاری ازقدرت های بزرگ جهان و کشورهای منطقه را با خود داشت.

انقلاب اسلامی ایران از میان این همه دشواری ها تا کنون به موفقیت به در آمده است. در عرصه های گوناگون زندگی مانند علم و فناوری، اقتصاد وکشاورزی، فرهنگ و آموزش و پرورش دست آوردهایی مهم داشته است؛ دست یافتن ایران به تکنولوژی هسته یی و موشک های دور برد و پرتاب ماهواره به فضا در این روز ها از مظاهر روشن این موفقیت است.

ایران به رغم مخالفت های برخی از کشورهای بزرگ مانند ایالات متحدهٔ امریکا و کشورهای عمده غربی در بسیاری از مسایل جهانی توانسته است سیاستی فعال بازی کند وبتواند با کشورهای نا همسو با آن ها طرح های استراتژیک بریزد.

جمهوری اسلامی ایران در منازعهٔ اسرائیل و عرب آشکارا از فلسطینیان و حزب الله حمایت می کند، حمایت ایران از حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزهٔ ۲۰۰۶ اسرائیل در لبنان و حمایت آن از حماس در جنگ ۲۲ روزهٔ اسرائیل در غزه، بسیاری از کشورهای عربی را سرمسار ساخته است لذا امروز ایران در بسیاری از کشورهای مسلمان هوا خواهانی دارد، و امروز در کشور همسایه اش عراق از نفوذی قابل ملاحظه برخور داراست. جمهوری اسلامی ایران در سیاست های درونی و بیرونی اش بر تفکر شیعی تکیه می کند و به دلیل تأکید بیشتر بر آموزه های شیعی نتوانسته این قبول و نفوذ را در کشورهای مسلمان دیگر به دست آورد.

مهم ترین چالشی که انقلاب اسلامی ایران امروز بدان مواجه است، این است که رهبری سیاسی و اندیشگی در آن از تماسک و انسجام سال های نخستین برخوردار نیست. رهبری سیاسی و اندیشگی در ایران از سالیانی است که به دو طیف نیرومند اصول گرا و اصلاح طلب تقسیم شده اند. که در بسیاری از موارد طرح ها واندیشه هایشان در برابر هم قرار می گیرد و مهم تر آن که بر سر اساسی ترین بنیاد جمهوری اسلامی اصل ولایت فقیه که به وسیلهٔ رهبر انقلاب امام خمینی مطرح شده است دعوی دارند.

برخی از نظریه پردازان دیروزین انقلاب اسلامی، امروز طرح هایی تازه در می اندازند که با گفتمان جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد.

بحث تحقق رفاه و معنویت یکی دیگر از مهم ترین اهداف انقلاب خوانده می شد. امروز برخی از تحلیل گران براین باورند که توفیقاتی زیاد در این زمینه در جامعه ایران به چشم نمی رسد. مظاهر پای بندی به نمادهای دینی در زندگی روزمره به تناسب سال های پیشین بسیار روز افزون شده است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ سی و پنجم شنبه ۱۹ دلو ۱۳۸۷- ۱۱ صفر ۱٤۳۰ - 7 February ۲۰۰۹

انقلاب اسلامی ایران و سی سال پس از پیروزی

واقف حکیمی

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم ترین انقلاب های تاریخ بشری به شمار می رود. در این انقلاب عوامل مختلفی نقش بازی کرده است. برخی از این عوامل به زمینه های درون جامعهٔ ایران و تاریخ معاصر آن باز می گردد و برخی دیگر متعلق به زمینهٔ جهانی است.

رژیم شاهنشاهی پهلوی یکی از متکاهای اساسی برای غرب در ترویج و گسترش فرهنگ وسیاست آن در منطقه محسوب می شد، بسیاری از طبقات روشنفکری و فرهنگی ایران اعم از دانشگاهی و روحانی در صدد دگرگون کردن این رژیم بودند. روشنفکران مسلمان و چپ همه

ادامه درص۷



ما در آستانهٔ سی ام سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران قرار داریم.۲۲ دلو/بهمن سال ۱۳۵۷ روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.

انوار الحق احدی نامزد انتخابات ریاست جمهوری دوری از کرزی

طبق گزارش برخی رسانه ها انوار الحق احدی رهبرحزب افغان ملت و وزیرمالیه، نامزدی خویش را برای اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ اعلان نمود.

انوار الحق احدی رهبر حزب افغان ملت است، حزبی که به گرایش ناسیونالیستی قومی شهرت یافته و هواداران آن در میان ساکنان جنوب و شرق افغانستان می باشند.

حزب افغان ملت که یکی از احزاب متحد آقای کرزی است، در دولت نفوذ فراوان دارد، گمان برده می شد که آقای کرزی برحمایت افغان ملت در انتخابات آینده امید وار هست. اما نامزدی آقای احدی می تواند بر برنامه های انتخاباتی وی ضربه وارد کند.

فکر می شود نامزدی آقای احدی مورد اتفاق در میان رهبران افغان ملت نیست، آقای غلام جیلانی پوپل معاون حزب افغان ملت و رئیس ارگان های محلی در دولت، با نامزدی آقای احدی به مخالفت برخاسته و از آقای کرزی حمایت می کند. ممکن است با توجه به امکاناتی که آقای پوپل در اختیار دارد در صدد انشعاب و تجزیه حزب افغان ملت برآید که در نتیجهٔ آن این حزب به جناح طرفدار احدی و جناح طرفدار کرزی تجزیه شود.

اما برخی ها پیش بینی می کنند که آقای کرزی سرانجام می تواند آقای احدی را وادار به انصراف از نامزدی در انتخابات نموده و پست مهمی مانند معاونیت ریاست جمهوری برای وی پیشنهاد کند.

برخی این احتمال را رد نمی کنند که هدف آقای احدی کسب جایگاهی مهم در رویا رویی های گروه ها و نامزدان اصلی انتخابات آینده ریاست جمهوری می باشد، وی با اعلان نامزدی درصدد به دست آوردن موقعیت مناسب است تا با کسی که بهترین امتیازات را برای افغان ملت پیشنهاد نماید، ائتلاف کند.

تا هنوز عکس العمل آقای کرزی در مورد نامزدی یکی از افراد مهم تیم کاریش اعلان نگردیده است. صاحب نظران پیش بینی می کنند که اگر آقای کرزی نتواند آقای احدی را وادار به انصراف از نامزدی نماید، او را برکنار خواهد ساخت. آقای احدی چندی قبل اعلان نموده بود که از پست وزارت مالیه کنار می رود، اما پس از چند روز از این تصمیم برگشت، در آن زمان گفته شد که وی با معاون خویش آقای شهرانی اختلاف داشته و پس از آن که شهرانی به عنوان سرپرست وزارت تجارت منصوب گردید، از تصمیمش برگشت.

بان کی مون از کابل دیدار کرد ...

برخی صاحب نظران از نقش فعال سازمان ملل به عنوان یک نهاد مستقلی جهانی انتقاد می کنند، به گفته آنان، سازمان ملل درگذشته طرح مستقل برای افغانستان نداشته، بیشتر از برنامه های کشور های مقتدر جهانی در مورد افغانستان حمایت کرده است. برنامه های اجرا شده توسط سازمان ملل آن شفافیت و بی طرفی راکه انتظار می رفت نداشته است. در این مورد نقش این سازمان در راه اندازی چندین انتخابات در گذشته یاد آوری می شود.

حمایت از تصمیم دولت برای به تاخیر افگندن انتخابات از سوی سازمان ملل نیز مورد انتقاد برخی از شخصیت ها قرار گرفته است.

حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان در این کنفرانس، باردیگر کشورهای غربی را به علت تلفات غیرنظامیان مورد انتقاد قرار داد.

وی گفت کشورهای غربی به این دلیل از من انتقاد می کنند که من از عملکرد آن ها در رابطه با بمباران مناطق مسکونی و تلفات افراد ملکی انتقاد می کنم.

امریکا یک بار دیگر دولت افغانستان را دولت ضعیف و فاسد خوانده است در گزارشی که از سوی پنتاگون نشر شده است. دولت افغانستان ناتوان ترین دولت جهان نامیده شده است.

حامدکرزی در جواب سوالی که آیا پس از اول جوزای ۱۳۸۸ خلای قدرت در کشور به میان نمی آید، اظهار نمود که اودر جدی ادای سوگند نموده و در این زمینه با حقوق دانان مشغول مشوره است که آیا ماموریت او در جوزا پایان می یابد یا در جدی.

تعویق انتخابات بحث مشروعیت و عدم مشروعیت حکومت پس از اول جوزای ۱۳۸۸ را به صورت جدی مطرح کرده است.

رویدادهای هفته

گرفتاری یک باندانتحاری در کابل

مسؤولان ادارهٔ امنیت ملی روزسه شنبه ۱۵ دلو از بازداشت یک گروه ۱۷ نفری که در حملات دهشت افگنانه در شهر کابل دست داشته اند، خبر داده است.

سعید انصاری سخنگوی ادارهٔ امنیت ملی در یک کنفرانس خبری گفته است که افراد بازداشت شده در شش حمله انتحاری در شهر کابل دست داشته اند.

به گفتهٔ آقای انصاری در میان بازداشت شدگان یک شهروند پاکستانی که در ساختن بمب و مواد انفجاری مهارت دارد، نیز موجود است.

انصاری گفته است که طراحان اصلی این برنامه تحت تعقیب امنیت ملی قرار دارند.

سفر بان کی به افغانستان

بان کی مون سرمنشی سازمان ملل متحد روز چهارشنبه۱۶ در یک سفر غیرمترقبه وارد کابل شد، بان کی مون ضمن اعلام حمایت سازمان ملل از حکومت افغانستان در نشست خبری با حامدکرزی گفت که موضوع افغانستان در صدر برنامه های سازمان ملل قرار دارد.

تلفات سنگین پولیس در ارزگان

روز دوشنبه ۱۴ دلو یک فرد انتحارکننده در ولایت ارزگان با استفاده از یونیفورم پلیس وارد یک مرکز آموزشی پلیس شده و خود را منفجر ساخت که درنتیجه بیش از بیست مامور پلیس کشته و هشت تن دیگر مجروح گردیدند.

طالبان مسؤولیت این حمله را به دوش گرفته به رسانه ها گفته اند دراین حمله از یک واسطه نوع تیلر به استفاده کرده اند اما منابع دولتی این ادعا را رد کردند.

وقوع حمله انتحاری در هرات و کابل

یک حملهٔ انتحاری به تاریخ ۱۳ دلو در غرب شهر کابل منجر به زخمی شدن دو غیرنظامی گردید. ژنرال علی شاه پکتیاوال،از مسؤولان پلیس کابل گفته است که بمبگذار با موتر حامل خود به دنبال یک کاروان نظامی نیروهای ائتلاف تحت فرمان آمریکا در حرکت بود، اما پیش از آن که موفق شود خود را به این کاروان نزدیک کند، دست به این انفجار زد.

طبق یک خبر دیگر در حمله انتحاری در ولایت هرات روز چهارشنبه ۱۷ دلو بر کاروان نیروهای خارجی تنها خود انتحارکننده کشته شد و به کسی دیگر آسیبی نرسیده است.

فرمانده پلیس کابل برکنار شد

محمدایوب سالنگی فرمانده پلیس، علی شاه پکتیاوال مسؤول جناحی و علی شاه احمدزی معاون امنیتی فرماندهی پلیس کابل از وظایف شان برکنارگردیده و آقایان عبدالرحمان، عبدالغفارو خلیل دست یار به سمت های فوق گماریده شده اند.

وزیر دفاع: بیشتر جنگجویان در افغانستان خارجی ها هستند

ژنرال عبدالرحیم وردگ وزیر دفاع کشور گفته است که در برخی نقاط این کشور بیشتر کسانی که علیه ارتش افغانستان می جنگند، خارجی هستند.

وزیر دفاع روز سه شنبه در یک ۱۶ دلو در یک کنفرانس خبری درکابل گفت به دنبال کاهش خشونت ها در عراق جنگجویان خارجی در افغانستان به صورت قابل ملاحظه یی افزایش یافته است.

به گفته آقای وردک یکی از دلایل افزایش خشونت ها در سال ۲۰۰۸ در افغانستان افزایش جنگجویان خارجی بوده است.

وزیر دفاع افغانستان از جامعه جهانی و متحدان غربی دولت افغانستان خواست برای جلو گیری از بد تر شدن وضعیت باید نیروهای افغان را هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی تقویت کنند.